

آقای رحمت للعالمین قطاع الطریق بود!

اکنون مدتی است که بسامد دفعات تهدید به مسدود کردن تنگهء هرمز از سوی کارگزاران نظامی و غیرنظامی رژیم اسلامی افزایش یافته و هل من مبارز می طلبند. تنگهء هرمز نه تنها معبر و راهرو و دالان و آبراههء اصلی مردم ساکن در سواحل و جزایر خلیج فارس محسوب می شود که گلوگاه شریان اقتصادی و تجاری بخشهایی از جهان است و به منافع اکثر کشورهای عضو سازمان ملل متحد ارتباط مستقیم دارد.

تهدید به بستن تنگهء هرمز فی الواقع سخن از راهزنی است. در قدیم و شاید هم امروزه در بعضی سرزمین ها، راهزنان در بیرون از آبادی ها و شهرها با تمهید مانی در تنگه ها راه را بر عابران و مسافران و کاروان های بازرگانان می بستند. راهزنان تا همین دوره متأخر در جاده های ایران با انداختن تنه درخت در عرض راه، وسایل نقلیهء موتوری را متوقف می کردند. تنگهء هرمز را نیز پاسداران حکومت اسلامی اینطور که می گویند قصد دارند با مین گذاری و یا غرق کردن کشتی های فرسوده و یا به طرق دیگری ببندند.

راهزنی در اسلام بحثی محوری است. اگر مجاهدین صدر اسلام که در رکاب پیامبر اسلام شمشیر می زدند و غزوه به غزوه غنایم بر می چیدند به راهزنی دریایی نپرداخته اند به این دلیل بوده است که دستشان به دریا نمی رسید، وگرنه در تاریخ اسلام حتماً آمده بود که کاروان ابوسفیان را که حامل ۵۰ هزار دینار مال التجاره بود، دزدان دریایی در فلان قسمت از آب های دریای فلان مصادره کردند و این واقعه را جنگ بدر نامیدند!

مجاهدین صدر اسلام که به جز غنایم به دست آمده از حمله به کاروان ها و قبایل، ممر و محل دیگری برای ارتزاق نداشتند البته بعدها شتر دزد شدند و به مشرق و مغرب عالم زمان خود هجوم آوردند و غنایم گرد آوردند و به ثروت های افسانه ای دست یافتند و تا همین امروز و در همین ایران اخلاف خلفشان (!) کماکان مشغول همان فعلند.

اساساً اقتصاد اسلامی مبنایش نه بر فعالیت های تولیدی و خدماتی که بر ارزش افزوده اموال مسروقه گذاشته شده است. پیامبر اسلام نیز هزینهء رتق و فتق امور مسلمین را در حکومت اسلامی مدینه از طریق خمس که مستقیماً از محل یک پنجم از سهم مجاهدین اسلام از غنایم اصطلاحاً جنگی بود تأمین می کرد. انفال ۴۱

و انفال نه فقط به غنایم غارت شده گفته می شود، بلکه اموال و املاک بدون صاحب را نیز شامل می شود. تنها کافیت که با کشتن و متواری ساختن افراد به بهانهء کافر و مشرک و منافق و طاقتی و ساواکی و ضد انقلاب، اموال و املاک ایشان را ابتدا بدون صاحب و سپس مصادره کرد.

این شیوهء اقتصادی در قرون بعدی نیز با تجاوز خلفای چهارگانه و حکومت های اموی و عباسی به سرزمین های دور و نزدیک و غارت شهرها و آبادی ها ادامه داشت و تا به توارخ نزدیکتر در ایران خودمان که موجب آخوندها و بیضه داران اسلام گاه از خزانهء سلاطینی که رعیت را با همیاری وی چپاول می کردند پرداخت می شد و گاه توسط زمینداران بزرگی که دهقان و کارگر روی زمین را غارت می کردند تأمین می گشت. در تاریخ نزدیکتر تا به همین امروز از طریق خمس و زکات و سهم امامی که بازار دلالتی سنتی با دوشیدن مردم به آخوند می پرداخت و می پردازد، اقتصاد اسلامی به حیات خود ادامه داده است. پس از انقلاب اسلامی و فتح مجدد ایران، دورهء دیگری از شکوفایی اقتصاد اسلامی با پنجه انداختن علما و زعما و مجاهدین اسلام بر اموال و ثروت های ملت ایران و منابع طبیعی این سرزمین شروع شد که همچنان تداوم یافته است.

هنگامی که آیت الله ها، یعنی نشانه های الله، نمایندگان خدای محمد، به دزدی متهم می شوند و همگان هم می دانند که حقیقت دارد و یا زمانی که حضرات آیات عظام و مراجع تقلید و مجتهدین جامع الشرایط به قاچاق و احتکار چای و شکر و رانت خواری مشغولند، هنگامی که پاسداران رشید اسلام و مجاهدین اسلام از شصت اسکلهء محرمانه در سواحل خلیج فارس به قاچاق کالا و پول و طلا و زن و مواد مخدر مشغولند، تماماً مسبوق به سابقهء دینی و ایمانی و اسلامی است و جای شگفتی نیست.

عجب آن است که آخوندها و پاسداران جمهوری اسلامی تصمیم گرفته اند جمعه به مکتب بروند. یعنی درست در دورانی که

حتا شيخک نشين هاى اطراف خليج فارس از قبيل عربستان و عمان و امارات و کويت و غيره که اسلافشان دزد دريائى بودند و کالاهای مسروقه را بيشتر در بندر احمدي کويت ذخيره مى کردند، ظاهراً متمدن و آدم شده اند، اينان به فکر راهزنى در خليج فارس افتاده اند.

همه مى دانيم که تهديد به مسدود ساختن تنگهء هرمز رجز خوانى است. پاسدارهاى دولت احمدي نژاد با به گروگان گرفتن تعدادى سرباز انگليسى پس از چند روز به غلط کرديم و شکر خورديم افتادند، پس چگونه مى توانند با ناوهای آمريکا و ارتش ناتو و سلاح هاى پيشرفته اى که کشورهاى حاشيهء خليج فارس در اختيار دارند به مقابله برخيزند.

شاید نيز آخوندهاى گورکن و پاسدارهاى قاتل و بسيجى هاى ارادل و اوباش تصور کرده اند که تنگهء هرمز همچون راه تنفس و گلوى دانشجويان و کارگران و زنان ايران است که بتوان به راحتی فشرده و آب هم از آب تکان نخورد.

بستن تنگهء هرمز به اين سادگى که پاسدارها خيال کرده اند نيست. مگر تنگهء هرمز تنبان ولى فقيه است که هر دم به ساعت يک بسيجى پايين بگشود، يک بسيجى بالا بگشود!

siamakmehr@yahoo.com

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>

